



استقلال و پرسپولیس غرق در چرخه تغییرات

بی‌ثباتی به یکی از عوامل اصلی ناکامی تیم های بزرگ فوتبال ایران تبدیل شده است .

بی‌ثباتی به یکی از عوامل اصلی ناکامی تیم های بزرگ فوتبال ایران تبدیل شده است . جام جم آنلاین: دهمین دوره لیگ برتر فوتبال ایران هم با هیاهوی زیادی که داشت بالاخره با قهرمانی سپاهان به پایان رسید تا این تیم اصفهانی صاحب رکوردی دیگر در لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران شود. زردپوشان برای دومین سال متوالی جام را بالای سر بردند تا از این حیث تنها تیمی باشند که 2 سال متوالی قهرمان لیگ برتر می‌شود، اما جام دیگر که مسابقات حذفی را شامل می‌شد حکایتی دیگر داشت.

این جام که البته سرنوشت آن چند روز بعد از مشخص شدن چهره قهرمان لیگ برتر رقم خورد با دردرهای فراوان سرانجام نصیب پرسپولیس تهران شد تا اگر چه امیر قلعه نویی با سپاهان 2 سال متوالی قهرمانی لیگ برتر را کسب کرد اما علی دایی هم به خود ببالد که رکورد کسب 2 جام متوالی حذفی را با پرسپولیس برای خود ثبت کرده است. سرمربیان سابق تیم ملی در فصلی که حواشی در آن بیداد می‌کرد توانستند گوی سبقت را از سایر همکاران خود برابند تا اعتبار دوباره‌ای برای خود دست و پا کنند. هردو مربی بلافاصله پس از این اتفاقات شرایط نامناسبی با باشگاه خود پیدا کردند و دم از جدایی زدند تا از این بابت هم رقابت با یکدیگر را از یاد نبرند.

در این بین دایی با کاشانی مشکل شخصی پیدا کرد و قلعه نویی البته با مسوولان باشگاه سپاهان بر سر سقف قرارداد به توافق نرسید. وی به ادعای رئیس هیات مدیره این باشگاه پول هنگفتی را طلب کرده بود. اگر استعفای ناگهانی و البته قابل پیش‌بینی کاشانی سرپرست باشگاه پرسپولیس را در کنار نگرش جدید مدیریت باشگاه سپاهان درخصوص رعایت کردن سقف در نظر گرفته شده برای قراردادهای بازیکنان و مربیان را به اتفاقات قبل اضافه کنیم، می‌بینیم دو تیمی که در لیگ دهم توانستند به جام دست یابند بلافاصله با اتفاقاتی مواجه شدند که خیلی زود شیرینی قهرمانی را به کام طرفدارانشان تلخ کرد.

این نکته‌ای است که در کمتر لیگ حرفه‌ای دنیا به چشم می‌آید و به نوعی تفاوت‌هایی ما و حرفه‌ای‌ها را بیان می‌کند. درست مثل برنامه ریزی‌ها، تعویق‌های گاه و بیگاه بازی‌ها و حتی مراسم اهدای جوایز تیم قهرمان که در هیچ‌کدام نمی‌توان آن را با اروپاییان و حتی شرقی‌ها مقایسه کرد. شاید کمتر تیم بزرگ دنیا را که قهرمان لیگ یا جام حذفی شده، این‌گونه ببینیم که به جای تقویت تیم خود و حفظ عناصر اصلی موفقیت، انسجام خود را از دست بدهند. این البته تنها یکی از تفاوت‌هایی ما و آنها در نداشتن ثبات در فوتبال است.

نگاهی به تحولات مدیریتی و فنی در بسیاری از تیم‌های مطرح و حتی معمولی کافی است تا به تفاوت‌های عمده ما و آنها پی ببریم. تفاوتی که شاید به جرات یکی از مهم‌ترین دلایل عدم نتیجه‌گیری و پیشرفت فوتبال در باشگاه‌ها و عرصه ملی است.

حرفه‌ای به معنای واقعی

ثبات در دنیای حرفه‌ای‌ها همواره از مهم‌ترین عوامل موفقیت تیم‌ها به حساب آمده است، بخصوص در مدیریت باشگاه‌ها کمتر شاهد تغییرات متوالی نظیر آنچه در فوتبال ایران رخ می‌دهد هستیم. در فوتبال ایران همه چیز به نتایج مقطعی تیم‌ها بستگی دارد و بعد از چند نتیجه متوالی ضعیف تیم‌ها، شایعه کنار گذاشتن سرمربی و متعاقب آن مدیر باشگاه‌ها به گوش می‌رسد. در واقع این بی‌ثباتی خود ناخواسته به یکی از عوامل اصلی ناکامی تیم‌های بزرگ فوتبال ایران تبدیل شده است و همواره این انتقاد هم مطرح بوده که مدیران باشگاه‌ها به خاطر حفظ موقعیت متزلزل خود در باشگاه‌ها تصمیم‌های احساسی و غیرمنطقی می‌گیرند و در این بین بیش از هر کسی مربیان قربانی می‌شوند. این اتفاقات در فوتبال به ظاهر حرفه‌ای ما به امری طبیعی تبدیل شده و دیگر کسی نسبت به بی‌ثباتی‌ها در باشگاه‌ها چندان انتقاد نمی‌کند. این در حالی است که در عالم حرفه‌ای هرگز با چنین بی‌ثباتی مواجه نیستیم و کمتر پیش آمده شاهد تغییرات متوالی باشیم. البته فرهنگ و شرایط مدیریتی در باشگاه‌های اروپایی نیز با ایران کاملا متفاوت است، به‌گونه‌ای که در بسیاری از کشورها مدیریت باشگاه‌ها نسل به نسل منتقل می‌شود. در ایتالیا از این موارد زیاد دیده می‌شود، به عنوان مثال خاندان موراتی باشگاه اینتر را در تملک خود دارد و تغییری در مدیریت این باشگاه شاهد نیستیم. باشگاه پایتخت نشین رم هم برای سال‌های طولانی تحت سلطه خانواده سنسی بوده و همین چند روز پیش بود که خاندان سنسی بعد از 18 سال مدیریت بر این باشگاه، آن را به یک آمریکایی تحویل دادند. فرانکو سنسی که از سال 1993 در راس امور این باشگاه قرار گرفته بود در سال 2008 درگذشت و پس از آن روزلا سنسی دخترش اداره امور را در دست گرفت که وی سرانجام موافقت کرد این باشگاه را به یک سرمایه‌گذار آمریکایی تبار به نام توماس دی بندتو تحویل بدهد. باشگاه یوونتوس هم که به کمپانی فیات تعلق دارد همواره با انتخاب یک مدیر از

سوي هيات مديره اين شركت در ميادين ظاهر مي شوند. در واقع مي توان گفت اين باشگاه ها تنها به دنبال به روز شدن هستند، اما ساختار همان است كه از قبل وجود داشته.

نكته: در فوتبال ايران همه چيز به نتايج مقطعي تيم ها بستگي دارد و بعد از چند نتيجه متوالي ضعيف تيم ها، شايعه كنار گذاشتن سرمربي و متعاقب آن مدير باشگاه ها به گوش مي رسد

در انگليس هم اگرچه در سال هاي اخير با هجوم ثروتمندان خارجي براي خريد باشگاه هاي ليگ برتري مواجه بوده ايم اما در ساختار كلي اين باشگاه ها تغييری ايجاد نشده است. نماد ثبات در انگليس شايد تيم هاي بزرگ منچستريونايتد و آرسنال باشند كه مالكان آن عوض شده اند اما نوع تشكيلات قبل همچنان پابرجاست. در اين بين نه تنها مديريت باشگاه ها از ثبات لازم برخوردار است كه مربيان هم با تغييرات تشكيلاتي روي نيمكت ها از جابگه مستحكمي برخوردار هستند. درست نقطه مقابل فوتبال ايران كه با هر رفت و آمد مديري، كادر فني هم بايد تغيير كند. البته نماد واقعي ثبات در تيم ها را بايد در يك تيم فرانسوي جستجو كرد. باشگاه اوسر فرانسه حدود 40 سال فردي به نام گيرو را به عنوان سرمربي و مربي در كادر فني خود داشت. اين مربي در سال هاي اخير تنها به واسطه بيماري و خستگي توانسته نيمكت را تحويل فرد ديگري بدهد، با اين حال او همچنان ركورددار است. در نقطه مقابل هم باشگاه هاي مثل رئال مادرید و چلسي هستند كه مديريت باثباتي دارند اما نيمكت آنها كاملا لغزان است. كوچك ترين ناكامي در اين تيم ها با تغيير مربي همراه خواهد شد و اين سياسي است كه همواره 2 باشگاه ياد شده از آن پيروي کرده اند. در آلمان برخلاف آنچه تصور مي شد تغييرات روي نيمكت ها تقريبا زياد است. آمارها نشان مي دهد در هر فصل تقريبا نيمي از تيم هاي بوندس ليگا مربي خود را تغيير مي دهند اين در حالي است كه به لحاظ ثبات در مديريت، ژرمن ها سرآمد همه هستند. آلمان ها در 80 سال اخير فقط 6 رئيس فدراسيون داشته اند و از دهه 50 ميلادي تا كنون نيز تنها 7 مربي روي نيمكت اين تيم به عنوان سرمربي نشسته اند كه بيشترين تغييرات در همين سال هاي اخير رخ داده است. سب هربرگر در دهه هاي 50 و 60 هدايت اين تيم را به عهده داشت. هلموت شون، يوپ دروال، فرانتس بكن باوئر، برتي فوگتس، اريش ريبيك، رودي فولر، يورگن كلينزمن و حالا هم يواخيم لو مربيان تيم ملي آلمان بوده اند.

يك نمونه در فوتبال ايران

اگر بخواهيم يك نمونه در اين رابطه از فوتبال ايران را معرفي كنيم بدون ترديد سپاهان اصفهان را مد نظر قرار مي دهيم. اين باشگاه به همراه ذوب آهن (ديگر تيم اصفهاني) را همگان با ثبات ترين تيم ها در فوتبال به ظاهر حرفه اي ايران مي دانند. سپاهان البته چربش بيشتري در اين زمينه بر رقيب همشهري دارد و به همين خاطر هم بوده كه موفق ترين تيم در تاريخ ليگ برتر به حساب مي آيد. اولين خودنمايي زردپوشان اصفهاني به دومين دوره ليگ برتر برمي گردد كه با قهرماني تا حد زيادي خود را به فوتبال دو قطبي ايران تحميل كردند. اين تيم اصفهاني پس از آن در جام حذفی سرمايه گذاري ويژه اي كرد تا جايي كه 3 بار توانست در اين جام عنوان قهرماني را به خود اختصاص بدهد. 2 قهرماني ديگر اين تيم در ليگ برتر با امير قلعه نوپي، سپاهان را كاملا با رقباي ديگر متمايز کرده است. آنها از اين حيث بهترين آمار را در ليگ برتر به خود اختصاص داده اند. در واقع سپاهان را مي توان پرچمدار مبارزه با دو قطبي بودن فوتبال باشگاهي در ايران دانست كه در اين راه كاملا موفق بوده و به عنوان يك الكو مطرح است. خيلي ها منابع وسيع مالي را رمز موفقيت اين تيم مي دانند كه شايد يكي از عوامل آن باشد اما نمي توان همه موفقيت هاي زردپوشان را تنها به اين عامل ربط داد. بدون ترديد ثباتي كه در اين باشگاه وجود داشته در كمترين باشگاهي در ايران به چشم مي آيد و همين موضوع باعث شده تا اهداف عاليه باشگاه بهتر به اجرا در آيد. سپاهان از سال 81 با مديريت محمدرضا ساكت در ليگ برتر حاضر است و در تمام اين سال ها با وجود ناكامي ها، موفقيت ها و تغييرات در سطح مديريت كارخانه فولاد مباركه، به مديريت باشگاه اعتماد شده و نتيجه آن راهم ديده اند. در واقع اين ثبات مديريتي به يكي از عوامل اصلي موفقيت هاي سپاهان تبديل شده است. اين در حالي است كه استقلال و پرسپوليس دو قطب گذشته فوتبال ايران با تغييرات مداوم در اوج بي ثباتي به ادامه حيات مي پردازند و اين موضوع را مي توان به عامل اصلي ناكامي هايشان ربط داد. از سال 81 تا كنون علي ميرزايي، علي پروين، اكبر غمخور، حجت الله خطيب، محمدحسن انصاري فرد، حبيب كاشاني، داريوش مصطفوي، عباس انصاري فرد و دوباره حبيب كاشاني به عنوان مدير و سرپرست باشگاه زمام امور را در دست داشته اند. آمار كاملا گواه اوج بي ثباتي در اين باشگاه است. در باشگاه رقيب نيز شرايط در دوران ليگ برتر بهتر از قرمزها نبوده است. علي فتح الله زاده، محمدحسين قريب، كاظم اوليايي، دوباره قريب، مقداد نجف نژاد، بار ديگر فتح الله زاده، واعظ آشتياني و دوباره فتح الله زاده فرادي بودند كه در چرخه مديريت باشگاه استقلال در 9 سال اخير مسووليت را به عهده گرفته اند. اين تغييرات مداوم مديريت در 2 باشگاه بزرگ پايتخت بي ثباتي را به روي نيمكت مربيگري و مستطيل سبز هم انتقال داده و اين گونه است كه افول چشمگير اين دو تيم در مقابل ظهور قدرت هاي جديد شكل گرفته است.

علي رضايي / جام جم